

محببت و اندر اجازت از مناسبت ذات بن حق و  
بر دو وجه تواند بود یکی آنکه محبت مرآت و محبت مظهر است  
یعنی عین ربی و مجرد را صیغ بود و کثر حکام مکان و مکان  
و سایر سبب ترتیب زو اسنی اینان آنکه توسط  
یعنی عین در نفس ذات او ما اثر نمواند کرد و طهارت  
اصطلاح و اثر نمواند داد و تفاوت درجات مقربان  
محبوب و نزدکان محذوب باعتبار تفاوت در کمال نقصان  
ازین وجه تواند بود **دومی** دیدیم بر این که زین حرف  
گشود چون او ذکر از خود باکی نبود بود آینه که  
عکس خورشید وجود جاوید در و بصورت مینماید  
و وجه دیگر از مناسبت که خط عین خود است از جهت  
مرتبه نسبت یعنی باعتبار خلق با جلال الهی و محقق و  
مانند و برین تفاوت میباشد که تفاوت جمعیت  
هر کرات و نیزه جمعیتش بیشتر قدم او در استغناء این  
بیشتر و در جمع بین بدین الوهانی من اینهاست بنده و مستوی

محبوب الحق و له الکمال المطلق و حقیقت مرآت الذب و  
الاولیه معاً و حکامها و لوازمها جمیعاً بلکه او برین  
جانب بین مرتبای الوجوب الامکان و مرآتیت واقع  
بین عالمی القدم و الحدیثان از یکدیگر وی مظهر اسرار لا  
هوت است و از دیگر روی مجمع احکام و آثارنا سونی  
علا در هم لسان مرتبتش بدین ترانه مترجم که **ربانی**  
بر اوج کمال صبح صادق ما جمیع کس کشف غایتی غم  
سحر خلق از دل ما برون گشت مجموعه مجمع عجاوین عالم  
**لامعه** و تالی محبت ذات است محبت حق سبحانه و تعالی  
بوسیله اموری که اختصاص کلی و ارتباط تمام بان حضرت  
داشتند باشد چون موفقت شهود او و قرب و وصول  
بد و این نسبت بر تبت اگر چه متمثل است و معلولان که  
در مرتبه اول و اول و قوفاع الحق سبحانه و تعالی  
المرتبه و وفی مع مظهر منته و شتال بنه و بینها  
مستوفی که شد زکاتها عاقبتین وی گفت بهمان شیئی مع مظهر منته

اینجا مراد از قوفاع مراد برین است  
مع مظهر منته